

جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها)

محمدهادی راجی^۱

اصغر افتخاری^۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳

چکیده

مفهوم جنگ با پیچیده‌تر شدن شرایط اجتماعی و ابزارهای ارتباطی به تدریج دچار تحولات بسیار زیادی شده است. شناخت و تبیین این موضوع برای جوامع مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف این نوشتار آن است تا با استفاده از تحلیل جنگ ترکیبی به تبیین اقدامات دشمن در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران بپردازد. این تحقیق، توسعه‌ای می‌باشد و برای تحلیل داده‌ها از روش کیفی استفاده شده است. سؤال اصلی این تحقیق آن است که مبتنی بر چارچوب جنگ ترکیبی چگونه می‌توان به تحلیل جنگ غرب علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت. یافته‌های این تحقیق بیانگر کاربست نوع خاصی از جنگ ترکیبی توسط غرب علیه جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه، در این نوع جنگ، مؤلفه‌های جنگ ترکیبی به‌منابه واحدهای ابزاری و عینی و با فشار متراکم و طولانی‌مدت به همراه استفاده از شبکه‌های اجتماعی در پی تأثیر بر بسترهای ذهنی و شناختی جامعه هدف است.

کلید واژه‌ها

جنگ ترکیبی؛ غرب؛ جمهوری اسلامی ایران

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

مقدمه

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از جنگ‌ها در طول تاریخ انجام شده است، برای مثال، تقسیم جنگ‌ها به انواع مختلفی از نظر حوزه جغرافیایی، ملیت‌های درگیر، معنا، اهداف و ابزارها از این جمله‌اند (باقری کبورق، ۱۳۷۰: ۴۱). بازشناسی مفهوم جنگ در جوامع اولیه به بسیط‌بودن حوزه‌ها و ابزارهای آن اشاره دارد و با سیر زمانی جامعه بشری این مفهوم رفته‌رفته روند پیچیده‌تری به خود گرفته است (ر.ک. تافلر، ۱۳۷۴). سابقه پژوهش و مطالعات تحلیلی در رابطه با چیستی جنگ را تا زمان «توسیدید»^۱ می‌توان دنبال کرد. هم‌زمان با سیر تطوری که مفهوم جنگ تجربه کرد، وضعیتی بین‌رشته‌ای و پیچیده را به خود گرفت و شاخه علمی منازعه‌شناسی^۲ عهده‌دار مطالعات جنگ شد (حسنلو، ۱۳۸۸: ۵). در این زمینه، مطالعه جنگ ترکیبی^۳ به‌عنوان یکی از مدل‌های کاربردی جنگ می‌تواند منشاء اثر باشد.

چارچوب نظری

طرح مسئله: جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود، هدف جنگ‌های متفاوتی بوده است. این جنگ‌ها از جهت‌های مختلف و با ابزارهای گوناگون در پی آسیب‌رساندن و فشار بر نظام اسلامی بوده و روزبه‌روز نیز در حال پیچیده‌تر شدن هستند. روندشناسی این جنگ‌ها می‌تواند کمک شایانی برای بازشناسی الگوی منطقی این جنگ‌ها و به‌تبع آن افزایش توانایی مقابله با آنها را داشته باشد. در این مقاله، تحلیل جنگ ترکیبی به‌عنوان یکی از گونه‌های جدید جنگ مورد مطالعه قرار گرفته است.

اهداف تحقیق: هدف اصلی این تحقیق، کمک به شناخت هر چه بهتر سیاست‌های منازعه‌جویانه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چارچوب جنگ ترکیبی است.

اهمیت تحقیق: تحقیق در موضوع جنگ ترکیبی از دو حیث برای ما اهمیت دارد. در سطح نظری، مطالعه و شناخت این موضوع منجر به تولید و پردازش ادبیات علمی و روشمند در

-
1. Thucydides
 2. Polemology
 3. Hybrid Warfare

این باره خواهد شد و در سطح کاربردی نیز با استفاده از نتایج این تحقیقات می‌توان در عرصه عملیاتی، راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ را طراحی کرد.

ضرورت تحقیق: عدم پژوهش روی الگوهای نوین جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران در ساحت نظری، موجب غفلت نظری درخصوص این پدیده و همچنین حاکمیت دیدگاه‌های غیرومی بر اندیشه کارشناسان خواهد شد. همچنین در ساحت عملی امکان مقابله با آن را کاهش خواهد داد.

سؤال و فرضیه تحقیق: سؤال اصلی این تحقیق آن است که اصول، اهداف و ابزارهای غرب در جنگ ترکیبی ضد جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ این تحقیق از نوع اکتشافی بوده و فرضیه‌آزما نیست.

روش تحقیق: این تحقیق از حیث نوع، توسعه‌ای می‌باشد؛ چراکه در مقام تبیین و شناخت جامع الگوی جنگ ترکیبی غرب ضد جمهوری اسلامی ایران است. برای گردآوری داده‌ها، از تکنیک اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود و با رجوع به منابع مرتبط در این زمینه تلاش می‌شود تا ابعاد مختلف موضوع، شناسایی و بیان شود. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش کیفی استفاده شده است.

پیشینه تحقیق: دو دسته اصلی از مطالعات جنگ ترکیبی را می‌توان به شرح زیر معرفی کرد:
مطالعات عمومی و نظری: منظور از این مطالعات، پژوهش‌ها و آثاری هستند که توسعه و تبیین نظری و تحلیل ادبیات جنگ ترکیبی در آنها بر مطالعات موردی و کاربردی غلبه دارد. در این سطح می‌توان به چند منبع از جمله منابع زیر اشاره کرد:

- «جنگ‌های ترکیبی»، (جولانی و فولادی، ۱۳۹۶): در این ترجمه، با بهره‌گیری از مطالعه موردی حزب‌الله لبنان به تبیین ویژگی‌های جنگ ترکیبی و چالش‌های آن، ناتو و جنگ ترکیبی، روندهای جنگ ترکیبی و استعاره‌های آن و همچنین به تهدیدات ترکیبی آینده پرداخته شده است.

- «درآمدی بر عملیات تأثیرمحور»، (محمدی نجم، ۱۳۸۵): این نوشتار به صورت مستقیم با جنگ ترکیبی ارتباط ندارد، اما از آن رو که ابعاد شناختی و ادراکی نیز بخش مهمی از تأثیرمحوری را در این موضوع برعهده دارند، برای پژوهشگران این عرصه قابل استفاده است.

- «عرصه تعاملی مؤلفه‌های سخت و نرم امنیت مبتنی بر قرآن کریم»، (افتخاری و راجی، ۱۳۹۶): در این مقاله با استفاده از الگو و استعاره قرآنی خَلق و جَعَل به تبیین مؤلفه‌های سخت و نرم امنیت پرداخته شده است. این مقاله از آن رو که با استفاده از این استعاره به تولید قدرت و امنیت مبتنی بر شیوه هم‌افزایی مؤلفه‌ها و نه لزوماً تولید آنها پرداخته است، می‌تواند در مدل قدرت هم‌افزا در جنگ ترکیبی مورد استفاده قرار بگیرد.

- درک جنگ ترکیبی^۱ (کالن و ریچ برون، ۲۰۱۷): این تحقیق اثری از مجموعه مطالعات مبارزه با جنگ ترکیبی است که توسط نهاد چندملیتی^۲ MCDC تدوین شده است. در این پژوهش به موضوعاتی از قبیل چستی، مؤلفه‌ها و چارچوب جنگ ترکیبی پرداخته شده است. **مطالعات موردی:** این دسته، آثاری هستند که در آنها تحلیل کاربست جنگ ترکیبی توسط بازیگر یا بازیگران خاصی بر مطالعات نظری غلبه دارد.

- **جنگ ترکیبی روسیه در اوکراین، (داچ، ۱۳۹۶):** این کتاب با بررسی توسعه جنگ‌های نامتقارن به حلقه اتصال بین نیروی منظم و نامنظم، جنگ‌های ترکیبی و تصرف کریمه پرداخته است.

- **جنگ ترکیبی، (مک کالو و جانسون، ۱۳۹۵):** در این کتاب به فقدان تعریفی پذیرفته‌شده در رابطه با جنگ هیبریدی اشاره شده و سعی کرده است با نظریه جنگ هیبریدی راه‌های جدیدی برای تشریح رفتار هیبریدی ارائه دهد. در این اثر جنگ رژیم صهیونیستی با حزب‌الله لبنان و جبهه شرقی در جنگ جهانی دوم با استفاده از ویژگی‌های جنگ هیبریدی مورد مطالعه قرار گرفته است.

- **بررسی و شناخت تهدیدات ترکیبی از منظر جنگ مدرن، (کوچکی بادلانی، ۱۳۸۹):** این مقاله تلاش داشته است تا با بررسی و تحلیل تهدیدات ترکیبی آینده‌نگر جنگ مدرن و واکنش‌های دفاعی و امنیتی مردم علیه اشغالگران امریکایی به مطالعه چرایی این‌گونه برنامه‌ریزی دفاعی بپردازد. نویسنده مبتنی بر نتایج به‌دست‌آمده در این مقاله معتقد است که تهدید هیبریدی، مهم‌ترین شیوه برگزیده و مورد استفاده غرب در نبردها و کشاکش‌های سیاسی - امنیتی غرب آسیا (خاورمیانه) خواهد بود.

1. Understanding Hybrid Warfare
2. A Multinational Capability Development Campaign Project

- رسانه‌های اجتماعی: ابزار جنگ‌های ترکیبی، (آهنی، ۱۳۹۵): این گزارش خلاصه‌ای از نتایج پژوهشی در رابطه با مسئله‌سازی اینترنتی به‌عنوان ابزار جنگ‌های ترکیبی با مطالعه موردی کشور لتونی است که انجام آن توسط مرکز تعالی ارتباطات راهبردی ناتو به مؤسسه امور بین‌الملل لتونی با همکاری دانشگاه «ریگا استرادینس» واگذار شده است. این نوشتار با پردازش فناوری‌های نوین ارتباطی در درگیری‌های نظامی که منجر به خلق مفهوم جنگ ترکیبی شده است، هسته اصلی گزارش مرکز تعالی ناتو را شامل می‌شود که دربرگیرنده مفاهیمی همچون جنگ سایبری، جنگ شبکه‌ای، عملیات روانی و... است.

نوآوری تحقیق: در اغلب منابع معرفی‌شده به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به معرفی جنگ ترکیبی و زمینه‌های کاربست آن و مبتنی بر اهداف هر اثر، غالباً به جنبه‌های نظری یا کارکردی جنگ ترکیبی پرداخته شده است. ازجمله کاستی‌های منابع معرفی‌شده می‌توان به عدم تحلیل تعامل جنگ ترکیبی و جنگ شناختی و کاربست آن برای مطالعه الگوی جنگ غرب علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. پژوهش پیش رو درپی آن بوده است تا با استفاده از الگوی جنگ ترکیبی و به همراه نگاه جدیدی که در این مقاله تحت عنوان جنگ ترکیبی شناخت‌منا پی گرفته است، علاوه بر تحلیل جنگ ترکیبی به تبیین چارچوب جنگ غرب علیه جمهوری اسلامی ایران نیز پردازد.

مفاهیم تحقیق

جنگ

جنگ در ادبیات فارسی با مفاهیمی همچون ستیزه، درگیری، رزم، در زبان عربی با واژه‌هایی همچون نزاع، حرب، قتال و در زبان انگلیسی با مفاهیمی همچون Battle، War، Warfare از آن یاد می‌شود. ازسویی «ریمون آرون»^۱ جنگ را یک عمل اجتماعی قلمداد می‌کند که برخاسته از مدیریت اجتماعات سیاسی سازمان یافته است و درراستای غلبه یکی بر دیگری صورت می‌گیرد و ازسوی دیگر «مارکس» آن را مامای انقلاب می‌داند (حسنلو، ۱۳۸۸: ۶).

1. Raymond Aron

«کلاوزویتس»^۱ جنگ را اقدام خشونت آمیزی می‌داند که هدف از آن، اجبار دیگری به پذیرش و اجرای اراده ماست (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۴۹) و درنهایت در عرصه حقوق بین‌الملل «جنگ عبارت است از درگیری مسلحانه بین دو یا چند کشور با قصد قبولاندن نظرات سیاسی یا اعمال هدف‌های خود با استفاده از تمام وسایلی که برای جنگ در اختیار دارند» (حسنلو، ۱۳۸۸: ۷).

جنگ ترکیبی^۲

جنگ ترکیبی (هیبرید/ هایبرید)^۳ به نوعی از جنگ گفته می‌شود که ابزارهای به‌کارگرفته‌شده در آن ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامتعارف، نامنظم و نامتقارن است. (هابر^۴ به‌نقل از کلاتری، ۱۳۹۶: ۱۴۶). جنگ ترکیبی به معنای ترکیبی بودن ابزارها و روش‌های این جنگ است و ترکیب عناصر مختلف در شیوه جنگیدن (Huovinen, 2011: 3) به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های شناخت و تعریف جنگ ترکیبی، قابل بیان است. «هافمن»^۵ در تعریف جنگ ترکیبی اشاره دارد که جنگ ترکیبی جنگی است که در آن هر یک از دشمنان سعی دارد تا با استفاده از یک روند مشخص در یک فضای جنگی به کاربست هم‌زمان و هماهنگ یک ترکیب شکل‌یافته از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنایی برای به‌دست‌آوردن اهداف سیاسی خود اقدام کند (Hoffman, 2009).

درحقیقت، جنگ ترکیبی بیش از آن که ساخت جداگانه‌ای باشد، روشی جدید است. درواقع، جنگ ترکیبی جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم انبوه و سامان‌مند به‌طور هم‌زمان تحت فرماندهی مشترک و یکسانی رزم می‌کنند (هابر به‌نقل از کلاتری، ۱۳۹۶: ۱۴۶). نوع پیشرفته جنگ ترکیبی مبتنی بر اهداف شناختی درنهایت به‌دنبال تغییر ساختارهای تحلیلی و ذهنی بازیگر هدف است.

1. Carl von Clausewitz

۲. نشریه سیاست دفاعی به‌منظور جدایش مفهوم جنگ ترکیبی (Composition Warfar) که پیش از این نیز وجود داشته است پیشنهاد می‌کند برای مفهوم (Hybrid Warfar) از عبارت «جنگ پیوندی» استفاده شود

3. Hybrid Warfar

4. Huber

5. Frank G. Hoffman

جنگ شناختی

به‌طور کلی علوم شناختی^۱ یکی از دانش‌های میان‌رشته‌ای نوین است که در کنار علوم دیگری از جمله «نانتکنولوژی، بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و مجموعه دانش‌های همگرا را که NBIC نام گرفته‌اند، تشکیل می‌دهد»^۲. این رشته با رشته‌های مختلف علمی از جمله علوم اعصاب^۳ و روان، زبان‌شناسی، هوش مصنوعی و فلسفه ادراک و ذهن پیوند دارد و کاربرد وسیعی در رشته‌های فرعی مانند «پزشکی، آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی، سیاست، علوم اطلاعات، ارتباطات و رسانه‌های گروهی، مهندسی پزشکی، مهندسی فرمان و کنترل و حتی علوم دفاعی و جنگ پیدا کرده است» (پژوهشکده علوم شناختی، ۱۳۹۷). در این میان، هدف جنگ شناختی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های علوم شناختی «ایجاد تحول در نحوه نگرش شما به محیط پیرامون و زمینه‌سازی برای انجام کاری خاص از جانب شماست» (میلادی، ۱۳۹۶).

غرب

در یک دسته‌بندی کلان می‌توان سه رویکرد شناختی، جغرافیایی و سیاسی - راهبردی را برای تبیین غرب در نظر گرفت.^۴ محور رویکرد شناختی این است که آیا هویت مستقلی برای مفهوم غرب به‌عنوان یک امر کلی وجود دارد یا خیر؟ (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۹). رویکرد دوم به غرب رویکرد جغرافیایی است که گرچه عینی و محسوس است، اما فاقد جامعیت و مانعیت است. رویکرد سوم به غرب رویکرد سیاسی - راهبردی است که به‌عنوان برون‌رفتی در شناخت و تعیین غرب صورت گرفته و مراد از غرب در این تحقیق این رویکرد نسبت به غرب است. مطابق این رویکرد، تعریف غرب به مبانی سیاسی و راهبردی است که مقوم و تشکیل‌دهنده آن می‌باشند. در این رویکرد، غرب نه یک قلمرو جغرافیایی، بلکه حوزه‌ای از جغرافیای راهبردی است که با شاخصه‌هایی همچون محوریت لیبرال‌دموکراسی و شاخصه‌های خاصی در سلطه سیاسی و سبک زندگی شناخته می‌شود. این رویکرد مشابه رویکردی است

1. Cognitive science
2. Nanotechnology, Biotechnology, Information Technology, Cognitive Technology
3. Neuroscience

۴. این تقسیم‌بندی با الهام از تقسیم‌بندی دکتر افتخاری تدوین شده است (افتخاری، ۱۳۹۱).

که «باری بوزان» و «اولی ویور» در «مناطق و قدرت‌ها»^۱ به ساخت قدرت و امنیت بین‌المللی داشتند و از حاکمیت «منطقه‌گرایی نوین» که در آن عامل جغرافیا در شناخت مناطق به حاشیه می‌رود، سخن گفته‌اند (Buzans & Waver, 2003).

خاستگاه تاریخی جنگ ترکیبی

هم‌زمان با دوره‌های مختلف حیات انسانی و همچنین تغییرات فناوری، شناختی و اجتماعی، جنگ‌ها نیز روند تحولات و تغییرات خاص خود را همچون سایر پدیده‌های انسانی سپری کرده‌اند (اسماعیلی فرزین و قاسمی، ۱۳۹۶: ۶۰). شناخت نسل‌های مختلف جنگ و موقعیت‌یابی جنگ ترکیبی در این زمینه می‌تواند به فهم بهتری از جایگاه جنگ ترکیبی بینجامد.

نسل اول؛ فرهنگ نظم

این نسل دارای تاکتیک خطی و ستونی بود، نبردها در آن شکلی مشخص داشتند و در میدان نبرد نظام تابعیت حاکم بود. نظم در جنگ و هرآنچه باعث تمایز نظامیان از غیرنظامیان می‌شد، مانند یونیفورم، تشریفات و مراسم، نظام دقیق درجات و به‌طور کلی فرهنگ نظم، محصول نسل اول جنگ بودند (اسماعیلی فرزین و قاسمی، ۱۳۹۶: ۶۰).

نسل دوم؛ دیالکتیک بین فرهنگ نظم و محیط نظامی

نسل دوم جنگ پاسخ به تضادی بود که بین فرهنگ نظم و محیط نظامی جدید پدید آمد. در این نسل از جنگ با استفاده از آتش غالباً غیرمستقیم توپخانه در حجم انبوه، هدف فرسایش نیروهای دشمن و دکترین آن، به گفته فرانسوی‌ها، شکست دادن به‌وسیله توپخانه و اشغال توسط پیاده‌نظام است. نیروی آتش در این جنگ به‌شدت کنترل شده و متمرکز است. نسل دوم جنگ بر معضل تضاد بین فرهنگ انضباط و محیط نظامی مدرن فائق آمد و تمرکز آن بر درون و بر مطابقت با قواعد، رویه‌ها و فرایندهای ازپیش تعیین شده قرار گرفت. از این رو، اطاعت، اهمیتی بیش از ابتکار یافت (اسماعیلی فرزین و قاسمی، ۱۳۹۶: ۶۱ - ۶۰).

نسل سوم؛ تاکتیک غیرخطی

نسل سوم جنگ، واکنشی به افزایش یافتن اهمیت قدرت آتش در میدان نبرد بود (Gazette, 1989: 23). جنگ نسل سوم به‌نوعی آنتی‌تزی نسل دوم جنگ به حساب می‌آید در این مرحله

1. Regions & Power

آلمان‌ها توانستند با طرح حملات برق‌آسا^۱ زمینه‌ساز نسل جدیدی از جنگ‌ها شوند؛ نسلی که اهمیت آتش در آن کاهش و موضوعاتی از قبیل چابکی و سرعت، غافلگیری و گیج‌کردن دشمن در آن اهمیت پیدا کرده بود. نفوذ به عقبه دشمن و فروپاشی نیروهای خط مقدم در این نسل از جنگ مورد تأکید قرار گرفت، به نحوی که دوزدن دشمن و فروپاشاندن آن جای خود را به مواجهه مستقیم داد. تاکتیک این نسل از جنگ تاکتیکی غیرخطی است (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۸).

نسل چهارم؛ پراکنش قدرت

عبارت نسل چهارم جنگ توسط «ویلیام لیند»^۲ ابداع و مفاهیم نظری آن در کتاب «تغییر چهره جنگ: به سمت جنگ نسل چهارم» در سال ۱۹۸۹ ارائه شد. نظریه نسل چهارم جنگ بر تکامل جنگ‌های نوین پس از تغییرات عمده در «نگرش‌ها» و «فناوری‌ها» استوار است. در این نسل از جنگ که عدم «تمرکزگرایی» و «ابتکار» عمل نسل سوم را نیز در درون خود دارد، تغییرات مهمی رخ داد و صحنه به روی بازیگران غیردولتی نیز باز می‌شود (تیموتی جی و علمایی، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۳۰). فضا در نسل چهارم یک فضای غیرخطی است و در آن مرز میان جنگ و صلح آشکار نیست و اقدامات متنوع به صورت هم‌زمان همه ابعاد شبکه دشمن را تحت بررسی و تأثیر خود قرار می‌دهد؛ فعالیتی که بیشتر جنبه نرم‌افزاری دارد (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۰).

نظریه‌های جنگ ترکیبی

فهم روشمند جنگ ترکیبی نیاز به چارچوبی مستقل دارد، اما از آن‌رو که جنگ ترکیبی، موضوعی میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود، چارچوب‌های مشخص پیشینی برای تبیین این موضوع از کفایت نظری برخوردار نیستند. لذا لاجرم باید برای درک بهتر این روند به استفاده از الگوهای نظری با قابلیت کاربست در تبیین الگوی جنگ ترکیبی در کنار نظریات پراکنده دیگری که در زمینه جنگ ترکیبی وجود دارد روی آورد.

1. Blitzkrieg
2. William Lind

نظریات کلاسیک و جنگ ترکیبی

دو دسته از نظریات مهم کلاسیک وجود دارند که مبتنی بر آنها می‌توان به فهم بهتری از جنگ ترکیبی نائل شد. این نظریات در قالب نظریه واقع‌گرایی و نظریه سازه‌انگاری قرار دارند.

الف. نظریه واقع‌گرایی

واقع‌گرایی (رنالیسم) نظریه‌ای یکپارچه و همگن نیست (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۰۶) و دارای شاخه‌های مختلفی است که از جمله آن می‌توان به واقع‌گرایی کلاسیک، ساختارگرا، نوکلاسیک و واقع‌گرایی تهاجمی^۱ «مرشایمر»^۲ اشاره کرد. «ویلیام و لفرز» معتقد است که مکتب فکری واقع‌گرایی بر اساس سه مفروض اصلی در مورد کارکرد جهان قرار دارد: گروه‌گرایی^۳، خودپرستی^۴ و قدرت‌محوری^۵ (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۲۵). بعضی از مفروضات هستی‌شناختی ذکر شده از دیدگاه واقع‌گرایان در سطح روابط بین‌الملل در عبارات زیر نمود دارد: دولت‌محوری؛ کاربردی نبودن اصول اخلاقی جهان‌شمول در مورد دولت‌ها و منفعت‌محور بودن؛ آناشیک بودن نظام بین‌الملل و اینکه دولت‌ها به همدیگر اعتماد و اطمینان کافی ندارند و زور، عنصر مفید و کاربردی در روابط بین‌الملل است (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۲۵). واقع‌گراها هرج و مرج را وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل می‌دانند (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۶۷).

در این راستا دولت برای بقا به افزایش قدرت خود و ناتوان‌سازی بازیگران رقیب - بدون توجه به اصول اخلاقی بین‌المللی - اهمیت خواهد داد که برای بسیاری از بازیگران در جنگ ترکیبی و شناختی نیز از اهمیت برخوردار است، موضوعی که با بحران‌سازی برای رقبای و همچنین بحران‌سازی محیط بین‌الملل رقم می‌خورد. در واقع، بحران‌سازی یکی از کلیدواژه‌های مشترک بین نظریه واقع‌گرایی و جنگ ترکیبی است. از این منظر، بازی سیاست بین‌الملل شامل ترکیبی از توافقات تا تهدیدات، تحریم‌ها، فشارها و یا جنگ می‌شود و در این راستا همه عناصر قدرت در سایه قدرت نظامی سخت قرار می‌گیرند (غریبی، ۱۳۹۶)؛ به نحوی که ترکیبی از فشارهای سخت را برای غلبه بر دشمن و کنترل آن توصیه می‌کند. جنگ

-
1. Offensive Realism
 2. John Mearsheimer
 3. Groupism
 4. Egoism
 5. Power-Centrism

ترکیبی مورد استفاده واقع‌گراها جنگ بر سر پیشینه‌سازی قدرت برای صیانت از بقا و امنیت است که به‌نوعی با پیشینه‌سازی فشار در نیروی هم‌افزای جنگ ترکیبی رابطه دارد.

ب. نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری برخلاف واقع‌گرایی که از ورود نظام‌مند به مؤلفه‌های ذهنی قدرت تاحدودی امتناع می‌کند، ازجمله نظریاتی است که قابلیت بیشتری برای تبیین بُعد ذهنی جنگ ترکیبی دارد. «...سازه‌انگاری باتأکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیم‌ها، عُرفیات و فرهنگ را در تکوین روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهد» (شفیعی و رضایی، ۱۳۹۱: ۶۳). سازه‌انگاران قدرت را صرفاً در مؤلفه‌های عینی و مادی خلاصه نمی‌کنند و بر مؤلفه‌های ذهنی‌تری ازجمله ایده‌ها و افکار نیز تأکید دارند (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۵۷). جنگ ترکیبی شناخت‌منا از آن‌رو که به محوریت هنجارها، ارزش‌ها، ذهن و فهم بین‌الذهانی برای درک منطق کنش‌ها اشاره دارد، می‌تواند رابطه معنی‌داری در این بخش با چارچوب سازه‌انگاری داشته باشد.

نظریات مدرن و جنگ ترکیبی

با پررنگ‌شدن ادبیات جنگ ترکیبی، طراحی و تدوین نظریات انتظام یافته‌تر یا بازتعریف آنها به‌نحوی که شناخت جامع‌تری از جنگ ترکیبی ارائه دهند، مورد توجه قرار گرفتند.

الف. جنگ نامحدود؛ ترکیب در حوزه‌های چندگانه

در اواخر قرن بیستم «کیانو لیانگ» و «وانگ خیانگسو» دو چینی مقاله‌ای را با عنوان «جنگ نامحدود» به رشته تحریر درآوردند که مفهوم‌پردازی جنگ نامحدود در آن مورد اشاره قرار گرفت. در این راستا، با توجه به «اقلیم راهبردی نامتعادل» و «قوانین قابل تغییر بین‌المللی» نوعی از جنگ را مورد پردازش قرار داده‌اند که با ویژگی عبور از همه حدود و مرزها شناخته می‌شود. ویژگی اساسی در جنگ نامحدود آن است که صرفاً مربوط به میدان فیزیکی نیست، بلکه به حوزه‌های دیگری ازجمله حوزه‌های اقتصادی و انرژی، دین و فرهنگ، اجتماع و محیط‌زیست و همچنین شبکه‌های اطلاعاتی نیز گسترش پیدا خواهند کرد (مک‌کالو و جانسون، ۱۳۹۵: ۹۳ - ۹۲).

ب. جنگ پیچیده؛ طولانی کردن جنگ به منظور کسب برتری

«توماس ایکس هامس» در کتاب «فلاخن و سنگ» جنگ ترکیبی را نسل جدیدی از جنگ می‌داند که از تمام شبکه‌های موجود استفاده می‌کند تا افراد تصمیم‌گیر راهبردی و سیاسی دشمن را قانع کند که طولانی‌شدن جنگ، هزینه‌های زیادی را برای آنها به بار خواهد آورد. هامس در نتیجه‌گیری خود بیان می‌کند که جنگ ترکیبی نشان‌دهنده یک وضعیت تکامل‌یافته از راهکنش‌های (تاکتیک) شورش اما در ابعاد وسیع‌تر است (مک‌کالو و جانسون، ۱۳۹۵: ۹۵ - ۹۴).

به این ترتیب، استفاده از الگوی ترکیبی و همه‌جانبه شبکه‌ها برای اعمال فشار فرسایشی و طولانی‌مدت با محوریت آشوب‌زایی برای بازیگر هدف از اهمیت برخوردار است. «هسته مرکزی این مفهوم این است که تضعیف دولت به‌عنوان سازمان‌دهنده و هدایت‌کننده سازوکار جنگ به ظهور بازیگران بی‌دولت منجر می‌شود که خواهان به‌چالش کشیدن مشروعیت دولت هستند (جولانی و فولادی، ۱۳۹۶: ۲۵).

جنگ ترکیبی به مثابه نسل پنجم

جنگ ترکیبی از سویی در بیشینه‌سازی قدرت ریشه در نظریات واقع‌گرایی دارد و از فرایند انبوه‌سازی فشار عینی برای ناتوان‌سازی رقیب متأثر است و از سوی دیگر، با ترمیم نقاط ضعف واقع‌گرایی توانسته است در بسترهای ذهنی فشار نیز ورود کند. این مدل از جنگ همچنین با بهره‌گیری از نظریات تخصصی جنگ ترکیبی توانسته با استفاده از مؤلفه‌های آسیب‌پذیری مخاطبان، وارد جنگ نامحدود چندبعدی شده و با استفاده از ابزار مهم شبکه‌های اجتماعی، خلع مشروعیت و تأکید بر پراکنده‌سازی قدرت به فرسایش بازیگران رقیب خود بپردازد. در این راستا، قدرت نه صرفاً از خلق مؤلفه‌های عینی، بلکه از روش هماهنگ‌سازی مؤلفه‌ها نیز متأثر است.

مبانی نظری جنگ ترکیبی	نظریات کلاسیک	واقع‌گرایی
		سازه‌انگاری
	نظریات تخصصی جنگ هایبرید	جنگ نامحدود
		جنگ پیچیده

شکل ۱. مبانی جنگ ترکیبی

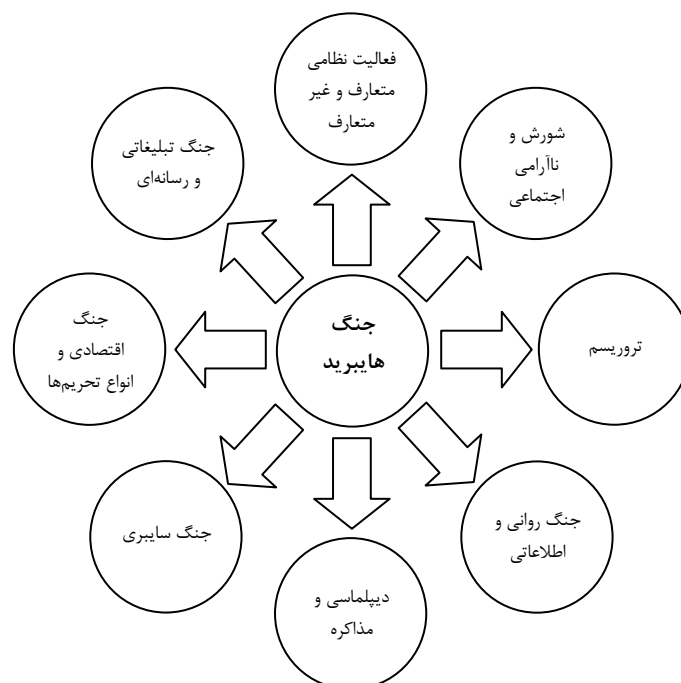
ساختار جنگ ترکیبی

ساختار جنگ ترکیبی بر یک بستر شناختی به جهت شناخت و مدیریت اذهان بازیگران رقم می‌خورد. به عبارت دیگر در جنگ ترکیبی طیفی از ابزار نظامی پیشرفته در کنار فناوری پیشرفته ارتباطاتی وجود دارد تا بتواند بیشترین تأثیر را بر ذهن و اراده بازیگر هدف اعمال کند. مدلی که روسیه در سال ۲۰۰۸ علیه گرجستان و در سال ۲۰۱۴ علیه اوکراین به کار گرفت، جنگ ترکیبی نام داشت. البته روس‌ها این سبک جنگ را با نام بومی جنگ غیرخطی معرفی کرده‌اند. هدف فوری جنگ ترکیبی برای روسیه، به‌عنوان بازیگری دولتی، ممکن است ایجاد آزار و اذیت، بی‌نظمی و تهدید امریکا و ناتو و هدایت اینها به نقطه درگیری مستقیم باشد، اما بعد از طی این مرحله، با اتخاذ رویکرد جدیدی از "استانه خطر و جنگ" عقب‌نشینی می‌کنند. ساختار جنگ ترکیبی به این نحو است که در هر زمان ممکن از شکاف‌های دفاعی رقیب، در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی با استفاده از انواع مختلف حملات یا تهدیدهای پشت سر هم و یا حتی هم‌زمان استفاده شود. با این وجود، آنچه که جنگ ترکیبی را نسبت به جنگ‌های سنتی یا جنگ‌های آشکارتر خطرناک کرده است، این است که در این جنگ اقدامات پنهان و غیرقانونی وجود دارد که غالباً درصدد تحریک و آغاز عملی سایر منازعات پیرامونی است (Gardner, 2015).

در این میان، از سویی برای شناخت ساختار جنگ ترکیبی می‌توان به اهمیت بُعد پنجم جنگ که همان مؤلفه ذهن در کنار چهار بعد دیگر زمین، آب، هوا و فضا است و از سوی دیگر، به کارکرد ترکیبی جنگ که جامع نسل‌های گذشته است، اشاره کرد.

مؤلفه‌های جنگ ترکیبی

این نوع از جنگ، ترکیبی از توانمندی‌های نظامی متداول و متعارف، ظرفیت‌های شورش و آشوب، تروریسم و افراط‌گرایی، جنگ‌های چریکی و نامتقارن یا محدود، دیپلماسی، جنگ‌های سایبر و فناوری‌های پیشرفته نظامی جنگ‌های روانی و تبلیغاتی است. (Huovinen, 2011: 3) در شکل ۲ به مهم‌ترین مؤلفه‌های این جنگ اشاره شده است.



شکل ۲. مؤلفه‌های جنگ ترکیبی

الف. فعالیت نظامی متعارف و غیرمتعارف

فعالیت‌های نظامی در دو گروه متعارف و غیرمتعارف قابل دسته‌بندی هستند. متعارف بودن یا غیرمتعارف بودن فعالیت نیز طبق معیارهای مختلفی قابل تقسیم‌بندی است. برای مثال، حق دفاع در برابر مهاجمین در عرف بین‌الملل یک فعالیت نظامی متعارف است و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی یک اقدام نامتعارف است. جنگ ترکیبی شامل ابعاد متنوع منازعه و برای اهداف متفاوت است که نه تنها شامل تعداد کثیری از مخالفان احتمالی (پارتیزان‌های متفاوت ضد دولتی، کشورهای پیرامونی کم‌قدرت‌تر، قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ)، بلکه همچنین شامل طیف گسترده‌ای از تاکتیک‌ها (متعارف، غیرمتعارف و غیرنظامی) نیز می‌شود (Gardner, 2015).

ب. شورش و ناآرامی اجتماعی

افزایش آگاهی‌ها و ارتباطات اجتماعی شهروندان در جوامع مختلف و پیدایش نیاز و خواسته‌های متنوع و ترکیبی برای جامعه بعضاً باعث فشارهایی بر سازمان دولت‌ها در کشورهای مختلف شده است. با توجه به محدود بودن امکانات پاسخگویی و افزایش انتظارات و وجود نارسایی‌هایی مختلف، امکان پاسخگویی همه‌جانبه به این انتظارات وجود ندارد، لذا این امر در مواقعی به پیدایش اعتراضات و اغتشاشات در جوامع منجر می‌شود (پناهی و گودرزی، ۱۳۹۲: ۲).

استفاده از شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی به عنوان یک عامل ایجاد بی‌ثباتی نقش مهمی در جنگ ترکیبی ایفا می‌کند. نوآوری جنگ ترکیبی این است که نیروهای منظم و نامنظم می‌توانند هم‌زمان وارد یک درگیری فعال اجتماعی، دستکاری شده یا اجباری علیه یک جمعیت مشخص شوند. در عین حال انواع اقدامات از جمله "تغییر رژیم" و "مهندسی دموکراسی"، همراه با استفاده ابزاری از موضوع صلح، می‌توانند برای دستیابی به اهداف اجتماعی و سیاسی استفاده شوند. از این نظر، جنگ ترکیبی غالباً از روش‌های قانونی و غیرقانونی و هم اقدامات نظامی و هم غیرنظامی استفاده می‌کند که به طور مستقیم بر جمعیت هدف تأثیر گذاشته و وارد منازعه با آن می‌شود (Gardner, 2015).

ج. تروریسم

اقدامات سیاسی به دو نوع متعارف و غیرمتعارف تقسیم می‌شوند. «اشمید» اقدامات سیاسی را به دو دسته متعارف و نامتعارف تقسیم می‌کند. در اقدامات سیاسی نامتعارف، یک دسته‌بندی دوطبقه‌ای یعنی؛ «اقدامات سیاسی نامتعارف غیر خشونت‌آمیز» و «اقدامات سیاسی نامتعارف خشونت‌آمیز» را جای می‌دهد. در حوزه اقدامات سیاسی نامتعارف خشونت‌آمیز در طرف دولتی آن تروریسم دولتی، ترور، جنگ داخلی، قتل عام، نسل‌کشی، سرکوب خشونت‌آمیز و در طرف غیردولتی آن تخریب فیزیکی، ترور، تروریسم، جنگ چریکی، قتل عام، شورش و انقلاب‌های خشونت‌بار جای می‌گیرد» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۲).

«ترور را می‌توان به دو نوع سرخ و سیاه تقسیم کرد: ۱. ترور سرخ؛ دفاع غیرکلاسیک (به‌عنوان نمونه، عملیات مسلحانه مخفی) در برابر سرکوب کلاسیک است (استفاده از نیروهای

نظامی، انتظامی، زندان، شکنجه و...؛ ۲. ترور سیاه؛ سرکوب غیرکلاسیک «ترور دولتی» در برابر دفاع کلاسیک (همچون اعتراضات عمومی و تشکیلاتی). عمل تروریستی به عنوان یکی از شیوه‌های مبارزه اجتماعی، همیشه در تاریخ بشر بوده (فرهادی، ۱۳۸۸: ۷۷) و جایگاه مهمی در جنگ ترکیبی به خود اختصاص داده است.

برای مثال روسیه در اوکراین از انواع نیروها برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرد. این نیروها شامل موارد زیر بودند:

- نیروهای ویژه (اسپتسناز)، متعلق به سرویس اطلاعاتی ارتش روسیه (GRU)؛

- شبه‌نظامیان روس، متشکل از سربازان سابق تحت قرارداد؛

- شبه‌نظامیان «چوسک» قزاق و ضداسلامی (این افراد در اوستیای جنوبی نیز در طول

جنگ با گرجستان در سال ۲۰۰۸ فعال بودند)؛

- افراد محلی هوادار مسکو (Gardner, 2015).

د. جنگ روانی و اطلاعاتی

جنگ روانی در دایره‌المعارف بریتانیکا این‌گونه تعریف شده است: «فرایند بهره‌برداری صحیح و طراحی شده از تبلیغات و اقداماتی با اتکا به ابزارهای نظامی، اقتصادی یا سیاسی که هدف اصلی آن نفوذ در عقاید، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان (افراد دشمن، بی‌طرف، هم‌پیمان و دوست) و تأثیرگذاری بر آنان، به‌منظور پیروزی در جنگ و تسلیم کامل نیروهای دشمن و تضعیف روحیه آنان است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳).

«تجاوز غیر به حریم اطلاعاتی خودی را که باعث جدال و به‌خطرانداختن منافع ملی شود، جنگ اطلاعات می‌گویند. این جنگ هرگونه حمله به یک عملیات اطلاعاتی، یا محافظت از عملکردهای اطلاعاتی بدون توجه به ابزار حمله را شامل می‌شود. در این تعریف، جنگ اطلاعاتی بر این حقیقت تأکید دارد که اطلاعات و فناوری‌های مرتبط، برای امنیت ملی و «دفاع» اهمیت حیاتی دارد و جبهه‌ای که از ابزار، دانش، تکنیک‌ها و تاکتیک‌های جنگ اطلاعات برخوردار است به نسبت برتری و تسلط، بر جبهه مقابل غالب است» (رشیدزاده، ۱۳۸۵: ۵۰). در این جنگ مختصات ذهنی جوامع هدف اهمیتی مشابه مختصات سرزمینی در

نسل‌های گذشته جنگ پیدا کرده است. اطلاعات در جنگ ترکیبی شناخت مبنا به‌عنوان گلوله^۱ استفاده می‌شود، همان‌طور که شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه سلاح پرتاب آن استفاده می‌شوند.^۲

هـ جنگ سایبر

موضوع سایبر یکی از زمینه‌هایی است که از دیدگاه «جوزف نای»^۳، پراکنش و انتشار قدرت در جهان را نشان می‌دهد (Lord & Sharp, 2011: 7). کریرز^۴ می‌گوید: این جنگ زیرمجموعه‌ای از «جنگ اطلاعاتی»^۵ است و شامل اقداماتی می‌شود که در فضای سایبر رخ می‌دهد. بنابراین، می‌توان جنگ سایبر را یک داستان نامتعارف هشداردهنده دانست که معمولاً بیشتر از آنچه که ارتباط نزدیکی با سیاست عمومی داشته باشد، با فضای مجازی فناورانه مرتبط می‌باشد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۹۷).

کار^۶ می‌گوید: همان‌گونه که سلاح‌های سخت‌افزاری در جنگ‌های نظامی موجودیت دولت‌ها را مورد تعرض قرار می‌دادند در جنگ‌های سایبر نیز فناوری‌های مدرن سایبر می‌تواند انواع نهادهای مالی، زیرساخت‌های حیاتی و سامانه‌های کنترلی در بخش‌های مختلف انرژی، ارتباطات، اطلاعات، حمل‌ونقل و درنهایت اذهان مردم و روحیه ملی جامعه مقصد را آماج حملات سنگین خود قرار دهند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۹۶).

خرابکاری سایبری، جنبه جدیدی از جنگ ترکیبی است که باعث ایجاد بی‌اعتمادی بیشتری بین رقبا می‌شود مانند جنگ پرچم‌های دروغین، مأموریت‌های انتحاری، حملات خودی، آدم‌ربایی هواپیماهای تجاری به‌عنوان سلاح جنگ و استفاده از کمک‌های بشردوستانه برای قاچاق مواد، اسلحه و... هم‌اکنون ستیزه‌جویان سایبری می‌توانند اطلاعات ارزشمندی را از بخش خصوصی و دولتی سرقت و ارتباطات را مختل کرده یا زیرساخت‌های حیاتی را از بین ببرند و غیرفعال کنند. به‌عنوان شکلی از خرابکاری سایبری، بدافزار «استاکس نت» توسط

1. Information as a bullet

۲. برای اطلاع بیشتر در این‌باره رجوع شود به کتاب:

LikeWar: The Weaponization of Social Media. P. W. Singer & Emerson T. Brooking

3. Joseph Samuel Nye Jr

4. Krebs

5. Information Warfare (IW)

6. Carr

امریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای نطنز ایران مورد استفاده قرار گرفت (Gardner, 2015).

و. دیپلماسی و مذاکره

بنا بر تعریفی که «والریا مهک»^۱ از دیپلماسی انجام داده است، دیپلماسی به‌مثابه رفتاری ترکیبی از حالت و کلام در ذهن دیپلمات است که درنهایت دیپلمات صاحب نفوذ را به سوی کامیابی و پیروزی سوق می‌دهد (Pop, 2107: 251). «دیپلماسی در مفهوم محدود آن، به شیوه مسالمت‌آمیز سیاسی در حل و فصل منازعات بین‌المللی اطلاق می‌شود که علی‌الاصول در نقطه مقابل بهره‌گیری از روش‌های فخرآمیز نظامی قرار می‌گیرد، ولی در شکل گسترده و وسیع آن به‌معنای مدیریت سیاسی خارجی است که طی آن کلیه اقدامات را که یک دولت در روابط خارجی خود در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، فناورانه، امنیتی و نظامی انجام می‌دهد، شامل می‌شود» (قوام، ۱۳۸۴: ۸).

دیپلماسی در جنگ ترکیبی می‌تواند در کاربست مؤلفه‌های متنوع جنگ و اِجماع‌سازی بین بازیگران متفاوت بر سر موضوع جنگ و همچنین مشروع‌سازی اقدام علیه بازیگر هدف نقش مهمی را ایفا کند. دیپلماسی، صلح و مذاکره همواره به‌عنوان ابزاری برای شرطی‌کردن طرف مقابل قابلیت استفاده دارد. درواقع در جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا، دیپلماسی نیز به‌مثابه جنگ و ادامه جنگ خواهد بود، اما به شکلی دیگر. این مهم، بازیگر هدف را در رسیدن به اهداف بازیگر عامل تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد.

ز. جنگ اقتصادی و انواع تحریم‌ها

جنگ اقتصادی درواقع می‌تواند ادامه دیپلماسی و مذاکره باشد و در جنگ ترکیبی همه مؤلفه‌ها در کنار هم و در یک خط قرار دارند. تحت تأثیر قراردادن خواسته‌های یک جامعه، وابسته‌سازی و کنترل‌پذیرکردن آن، تحریم و جنگ ارزی، کاهش ارزش پول ملی، تعرفه‌گذاری‌های مختلف، جلوگیری از واردات ابزارهای پیشرفته تولید و غیره، بخشی از مؤلفه‌های جنگ اقتصادی هستند. جمهوری اسلامی ایران با مقاومتی که در برابر جبهه استکباری از خود بروز داد، همواره در معرض تهدیدات و جنگ‌های مختلفی از طرف جبهه

1. Valeria Mohoc

استکباری قرار گرفته است که از جمله می‌توان به جنگ اقتصادی و وضع تحریم‌های سنگین اشاره کرد (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۴: ۶۵).

در این راستا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بارها به فشار و جنگ اقتصادی دشمن و آمریکا علیه جمهوری اسلامی اشاره داشته‌اند. ایشان در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی چنین فرموده‌اند: «با ما جنگ اقتصادی کردند. فهمیدند که اقتصاد مهم است در کشور ما و سال‌های متمادی است دارند با ما جنگ اقتصادی می‌کنند؛ این [جنگ] را به شدت رساندند. امروز هم این جنگ اقتصادی ادامه دارد؛ تحریم، یکی از بخش‌های جنگ اقتصادی با ماست.» (۹۶/۱۰/۲۶). ایشان همچنین در دیدار با کارگران، بیان داشتند: «امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است؛ آنجا اتاق جنگ با ماست» (۹۷/۲/۱۰).

درواقع جنگ اقتصادی مبتنی بر ناراضی‌سازی توده علیه حاکمیت کشورها و اعمال فشار هم‌افزای تهاجمی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ ترکیبی است.

ح. جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای

جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای یکی از محورهای جنگ است که در آن شناخت و احساسات جوامع هدف، تحت تهاجم قرار می‌گیرد. «بهره‌گیری از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت آنها اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات به منظور دفاع از منافع ملی را "جنگ رسانه‌ای" نامیده‌اند» (مرادی، ۱۳۹۱: ۱). بزرگ‌نمایی، بمباران اطلاعاتی و تحریف اخبار و اذهان از جمله کارکردهای رسانه دشمن در دنیای معاصر است.

ویژگی‌های جنگ ترکیبی

ویژگی‌های موضوعی

...در جنگ ترکیبی بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی، روش‌های متعارف را با روش‌هایی غیرمرسوم درمی‌آمیزند تا به اهداف خود نائل آیند. مفهوم جنگ ترکیبی برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ و در رساله «ویلیام جی. نیث» مورد استفاده قرار گرفت و در آن شیوه عمل شورشیان چچن برای ترکیب «جنگ‌های چریکی» با «تاکتیک‌های نظامی مدرن» و نیز استفاده

از «تلفن همراه» و «فناوری اینترنت» مورد پردازش قرار گرفته بود. در واقع اصطلاح «جنگ ترکیبی» برای اشاره به راهبردهای بازیگران غیرنظامی مانند «حزب‌الله» لبنان استفاده می‌شد، اما پس از عملیات روسیه در بعضی از مناطق اوکراین در سال ۲۰۱۴ روند جدیدی پیدا کرد که به نظر می‌رسید خطی را دنبال می‌کند که هم‌راستا با رهنامه (دکترین) ژنرال «والری گرازیموف» درباره جنگ «غیرخطی» است^۱ (ارتباطات راهبردی ناتو: مرکز تعالی، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

بعضی از ویژگی‌های جنگ ترکیبی که در منابع مختلف به آن اشاره شده است، عبارتند از «حضور عناصر عمده نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی، مشارکت راهبردی، فرماندهی چندوجهی، اقدام هم‌زمان، ابزارهای چندوجهی، تهدیدات به شکل سریع و همچنین فقدان دکترین عملیاتی مشخص» (بقایی، رجب‌پور، پرواس، ۱۳۹۵: ۹۳).

«گرازیموف»، مفاهیم روسیه درباره جنگ "غیرخطی" را تشریح کرده که شامل نیروهای منظم و نامنظم و اقدامات نظامی و غیرنظامی، به‌علاوه استفاده از افراد، برای دستیابی به موفقیت سیاسی است. در این چارچوب تأکید در روش‌های مبارزه، به سمت استفاده گسترده از اقدامات سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، بشردوستانه و سایر اقدامات غیرنظامی که از طریق درگیرسازی مردم اجرا می‌شود، در حال انتقال است. همه این موارد توسط وسایل مخفیانه ارتش که شامل اجرای مبارزه‌های اطلاعاتی و اقدامات نیروهای ویژه ماست، نیز تکمیل می‌شود. استفاده بیش‌ازحد از نیروی اجبار و زور اغلب تحت پوشش صلح و مدیریت بحران و در مرحله خاصی اتفاق می‌افتد و در درجه اول برای دستیابی به پیروزی مشخص و قطعی در درگیری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نسخه روسی جنگ غیرخطی همچنین نمایانگر تلاش برای دستیابی به موقعیت‌های سطحی و نازل تا استانداردهای نظامی امریکایی است که اکنون باتأکید بر مقوله ارتباطات "زمان واقعی"، دید در شب، سرعت، دقت و مخفیکاری صورت می‌گیرد (Gardner, 2015).

۱. نیکو پوپسیکو، "تاکتیک‌های ترکیبی: روسیه و غرب"، ایسوس، اکتبر ۲۰۱۵.

ویژگی‌های کارکردی

الف. هم‌افزایی

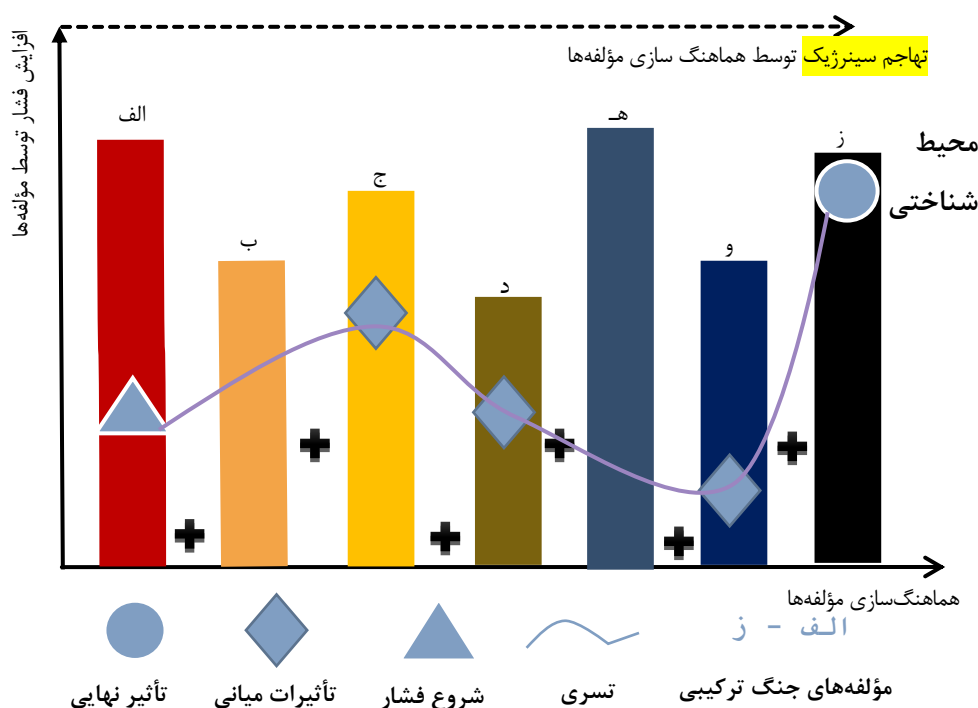
مؤلفه‌های جنگ به دو صورت قابلیت تأثیرگذاری بر بازیگر هدف را دارند. نخست به صورت مستقل و یک‌سویه و دوم به صورت هم‌افزا. در نوع نخست، تأثیر مؤلفه‌ها محدود است، اما در نوع دوم تأثیر که حوزه کاربست جنگ ترکیبی محسوب می‌شود، مؤلفه‌ها صرفاً به صورت مستقل مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، بلکه به صورت ترکیبی سامان پیدا می‌کنند و یک تهاجم متراکم را رقم می‌زنند. این وضعیت کلید فهم روش‌شناسی جنگ ترکیبی است (مک‌کالو و جانسون، ۱۳۹۵: ۹۷ - ۹۵). مبتنی بر این ویژگی اگر هر کدام از مؤلفه‌های جنگ ترکیبی به صورت مستقل دارای X مقدار نیروی فشار بر بازیگر هدف باشد، به این معنا نیست که اعمال هشت مؤلفه به صورت هم‌زمان موجب اعمال $8X$ نیروی فشار خواهد شد، بلکه از کنار هم قرارگرفتن این مؤلفه‌ها نیروی جدیدی ایجاد می‌شود که قادر است فشاری به مراتب بیشتر از این مقدار جمع جبری را بر بازیگر هدف وارد کند. این نیرو با استعاره حمله زنبورها قابل توصیف است. در حمله انبوه زنبورها به یک هدف، هیچ‌یک از زنبورها به طور مستقل امکانی برای مبارزه راهبردی با هدف را ندارد، اما اگر انبوه زنبورها در یک حمله هم‌افزا و روشمند شرکت کنند، می‌توانند نظام یکپارچه دفاعی طرف مقابل را با اختلال جدی مواجه کنند. در این وضعیت است که وجود مؤلفه‌های اخلاک‌تر ترکیبی، بازیگر هدف را دچار سردرگمی و بحران شناختی کرده و وی را ناچار به بازتصمیم‌گیری سریع، مکرر و بدون به سرانجام‌رساندن تصمیمات گذشته می‌کند (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

این موضوع در رابطه با مواجهه ترکیبی که حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفت، قابل رؤیت است (مک‌کالو و جانسون، ۱۳۹۵: ۸۲).

ب. تسری

یکی دیگر از ویژگی‌های جنگ ترکیبی، قابلیت تسری است. در این راستا و با توجه به ارتباط هم‌افزای مؤلفه‌های جنگ ترکیبی و همچنین ترسیم شبکه‌ای منافع بازیگر هدف توسط بازیگر عامل، هر کدام از مؤلفه‌های جنگ ترکیبی می‌تواند مکمل و پیش‌برنده اهداف مؤلفه‌های دیگر نیز باشد. از این رو، ممکن است بازیگر عامل با اعمال فشار در یک محیط دیپلماتیک و سایبری

به تأثیرات اجتماعی آن نظر داشته باشد. ویژگی‌های کارکردی در جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی به کرات مورد استفاده قرار گرفته است.



شکل ۳. مدل تحلیل فشار در جنگ ترکیبی

ج. پیچیدگی و ابهام

ویژگی کارکردی سوم در جنگ ترکیبی که به عنوان یکی از ویژگی‌های کارکردی مهم در این نوع از جنگ مدنظر قرار دارد، موضوع پیچیدگی و ایجاد ابهام است. اصولاً بن‌مایه جنگ ترکیبی بر این قرار گرفته است تا با اعمال حداکثر فشار بتواند مخاطب هدف را دچار سردرگمی کرده و توانایی تصمیم را از او سلب کند. زمین شناختی جنگ ترکیبی در اینجا اهمیت پیدا کرده و مخاطب هدف به دلیل رویارویی با حجم و تنوع انبوهی از مؤلفه‌های فشار که نقاط ضعف آن را مورد حمله قرار داده‌اند، دچار وضعیت خلأ تصمیم شده و راه برای

پذیرش شکست فراهم می‌شود. در واقع، اگر در سطوح عالی جنگ روانی یک موضوع شناختی^۱ خاص در یک بازه زمانی خاص مورد هجوم قرار می‌گرفت، در جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا اصل نظام شناختی^۲ مورد خدشه وارد می‌شود و مخاطب را مجبور به بازنگری کلی در نظام شناختی خود و تغییر آن می‌کند. موضوعی که در واقع هدف از تهاجم هم‌افزا در جنگ ترکیبی را در خروجی شناختی آن رصد می‌کند.

ابعاد جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

مطالعه تاریخ حیات جمهوری اسلامی ایران بازگوکننده جنگ ترکیبی غرب علیه این نهاد نوپاست.

نظامی

در طول بیش از یک قرن گذشته استقلال و تمامیت ارضی ایران از جهات مختلف سیاسی و نظامی در مراتب متفاوت در معرض تهدید قرار گرفت که یکی از مهم‌ترین آن حمله عراق بود که به جنگ ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ منتهی شد. در رابطه با فعالیت‌های نظامی می‌توان به هشت سال جنگ تحمیلی اشاره کرد که توسط صدام و با حمایت کشورهای مختلف غربی، شرقی و منطقه‌ای صورت گرفت و موضوعاتی از قبیل جنگ نفت‌کش‌ها، حملات شیمیایی و جنایات دیگری که در این جنگ علیه ایران شد، اشاره کرد. در این دوران، غربی‌ها و امریکایی‌ها نقش عمده‌ای در حمایت از صدام و فشار بر ایران ایفا کردند. محاصره نظامی ایران توسط پایگاه‌های امریکایی نیز در این راستا قابل تحلیل است.

ناآرامی‌های اجتماعی

در رابطه با ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی که دشمن در این زمینه سابقه زیادی داشته است، می‌توان به قضایای مختلف از قبیل اختلاف‌افکنی مذهبی، قومی و سیاسی اشاره کرد. از قضایای مناقصین در ابتدای انقلاب تا حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و زمینه‌سازی برای فتنه‌های مختلفی همچون فتنه سال ۱۳۸۸ و شلوغی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ و برخی از ایام در سال ۱۳۹۸ توسط برخی از کشورهای متخاصم غربی از جمله امریکا و رژیم صهیونیستی. این کشورها

1. Cognitive Subject
2. Cognitive System

بیشترین تلاش را جهت تحریک و فعال‌سازی کنش‌های اعتراضی انبوه علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند و از این مسیر راهبرد تحول از درون را پی‌گیری کرده‌اند (شریفی، ۱۳۸۸: ۷).

تروریسم

تروریسم و استفاده ابزاری از آن برای مبارزه با جمهوری اسلامی در دو ساحت مختلف به‌عنوان ابزار غرب برای فشار بر جمهوری اسلامی قابل تبیین است. در مرحله نخست متهم‌سازی ایران به رفتار تروریستی و حمایت از تروریست‌ها و دستاویز قراردادن این موضوع برای فشار جهانی علیه ایران وجود دارد و در ساحت بعدی ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی توسط غربی‌ها برای فشار امنیتی بر ایران قابل بیان است. در این رابطه مصادیق متعددی همچون ترورهای متعددی که توسط گروهک منافقین انجام شده است تا شکل‌دهی و حمایت از گروه‌های تروریستی در شرق و شمال غربی کشور و گروه‌های مطرحی از جمله القاعده و داعش قابل طرح است که توسط خود امریکا ایجاد و حمایت شدند (بیژنی، ۱۳۹۵: ۲۶) «یکی از مهم‌ترین حربه‌های امریکایی‌ها و بازوهای اجرایی آنها در ایران برای متوقف کردن حرکت انقلاب اسلامی، جلوگیری از تکوین گفتمان و نظام فکری اسلامی بود که آنها در ابتدا برای این کار دو مسیر را دنبال کردند: اول تقویت گفتمان‌ها و اندیشه‌های التقاطی راست‌گرا و در مرحله دوم حذف نخبگان فکری و فرهنگی جریان‌ساز اسلامی. زمانی که آنها از مقابله فکری با متفکران اصیل اسلامی باز می‌ماندند، به حذف فیزیکی آنها اقدام می‌نمودند. نمونه بارز این نوع اقدامات را در ترور افرادی همچون شهید مطهری، شهید مفتاح و شهید بهشتی می‌توان دید» (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۲). ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی (رضوان‌الله تعالی علیه) نیز در این راستا قابل تحلیل است. موضوعی که ایجاد شوک‌های دائمی و پیچیده‌سازی میدان کنش برای بازیگر هدف را دائماً مدنظر قرار می‌دهد. این موضوع به دلیل اهمیت بالای خود بایسته است در مقالات جداگانه‌ای مورد تحلیل قرار بگیرد. ایجاد شوک‌های بزرگ و سینرژیک و همچنین شرطی‌سازی اجتماعی برای جامعه هدف جنگ ترکیبی، یکی از اساسی‌ترین تاکتیک‌های این نوع از جنگ است. نقش برجام نیز در این راستا قابل تحلیل است.

جنگ روانی و اطلاعاتی

یکی از ابزارهای اصلی جنگ روانی بر بستر رسانه‌های جمعی سازمان می‌یابد و غرب از پیدایش انقلاب اسلامی استفاده زیادی از این بستر برای جنگ روانی علیه ایران کرده است (کریمی، ۱۳۷۲: ۸۱). «اهداف جنگ روانی عبارت است از: زایل کردن خرد انسانی و حیات معنوی و اخلاقی یک ملت از طریق نفوذ در اراده آنها. بعد از جنگ، اصطلاح جنگ روانی، به واژه جدید عملیات روانی و اقدامات روانی تغییر یافت و هدف از آن اقدامات سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی بود که برای ایجاد احساسات، نگرش‌ها، رفتارهای مطلوب در گروه‌های دوست، دشمن، بی‌طرف و مخالف، به‌منظور تأمین مقاصد ملی، طراحی و اجرا می‌شد» (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

در این راستا یکی از انواع جنگ روانی و اطلاعاتی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران تغییر فرایند ادراک و محاسبات مسئولان است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در این رابطه هشدار دادند که امریکا به دنبال ایجاد خطای محاسباتی در تصمیم‌گیری مسئولان است: «مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

در این رابطه موارد متعدد دیگری از جنگ روانی و اطلاعاتی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. یکی از جدیدترین تاکتیک‌ها در این زمینه تربیت سلبریتی‌های کارشناس است. سلبریتی‌هایی که هم رسانه فراگیر و جذاب دارند و هم مخاطب زیاد و با آموزش در موضوعات مشخص و محدود در رابطه با موضوعات مورد حساسیت و نیاز مردم می‌توانند به ارائه بحث‌های جذاب و شبه کارشناسی در آن زمینه و به بازنمایی سیاه مشکلات کشور و سریان خشم در توده اقدام کنند. یکی از ابعاد مهم جنگ ترکیبی غرب علیه ایران در زمینه هنر است و تهاجم سینرژیک، قابلیت زیادی در بهره‌گیری از این عرصه دارد.

جنگ سایبر

فعالیت‌های سایبری مختلفی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته که تعدادی از آنها رسانه‌ای شده است. از جمله اهداف فعالیت‌های سایبری می‌تواند جاسوسی و همچنین خرابکاری^۱ باشد. برای مثال، ویروس «استاکس نت»^۲ و یا ویروس «فلیم»^۳ (واحدی‌فرد، ۱۳۹۱: ۳) از جمله پیچیده‌ترین ویروس‌های هم‌ردیف خود به حساب می‌آیند که علیه ایران به کار گرفته شدند.

به‌عنوان شکلی از خرابکاری سایبری، بدافزار «استاکس نت» توسط امریکا و رژیم صهیونیستی علیه سامانه‌های رایانه‌ای زیرممنس در تأسیسات هسته‌ای نظیر ایران مورد عمل قرار گرفت. بدافزار «استاکس نت» ممکن است علیه نیروگاه هسته‌ای روسیه نیز استفاده شده باشد. مسئله اصلی مطرح‌شده در حملات «استاکس نت» این موضوع نیست که این ویروس بتواند رایانه را از کنترل خارج کند یا خیر، بلکه موضوع اصلی آن است که بازیگران دولتی و ضد دولتی‌ای که دارای امثال این دانش هستند، می‌توانند توسعه یابند و این فرایند را توسعه دهند؛ به‌نحوی که چنین بدافزارهایی، به گسترش سریع مؤلفه‌های ویرانگری شبیه سلاح هسته‌ای اما با کارکرد آسان‌تری منجر می‌شوند. اینکه مقامات روسی و ایرانی هر دو استفاده از بدافزار را به‌عنوان "یک اقدام جنگی" محکوم کرده‌اند، بیانگر آن است که چنین حمله‌هایی می‌تواند به مناقشات گسترده‌تری بینجامد (Gardner, 2015).

جنگ دیپلماتیک

از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، غرب سعی کرد تا جامعه جهانی را علیه ایران متحد کند. از محدودسازی حضور ایران در جوامع دیپلماتیک، فراخواندن سفرای خارجی، قرارداد ۵۹۸ تا فشارهای دیپلماتیک مختلفی که در راستای تحریم، تهدید و فشار علیه ایران استفاده شده است. یکی از موارد در این موضوع، فشارهای دیپلماتیکی بود که دشمن به بهانه موضوع هسته‌ای علیه ایران به راه انداخت و در نهایت نیز منجر به قرارداد برجام شد، قراردادی که خود

-
1. Sabotage
 2. Stuxnet
 3. Flame

به‌عنوان یک اهرم فشار ثانویه علیه کشور مورد استفاده قرار گرفت و نقش شرطی‌سازی جامعه و مسئولان را در پازل جنگ ترکیبی برعهده داشت.

زبان زور و تهدید و نادیده‌گرفتن غرور ملی ایرانی‌ها سیاست حاکم بر روابط غربی‌ها با ایران بوده است. «سیاست‌های زورگویانه و زبان تهدید، عناصر اصلی رویکرد امریکا در برابر ایران بوده است. این رویکرد به‌ویژه اهمیت خصیصه غرور و اشتیاق مفرط به استقلال به‌عنوان دو مشخصه اصلی فرهنگ سیاسی ایرانی‌ها را مورد غفلت قرار داده است» (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۵۷).

جنگ اقتصادی

در حوزه جنگ اقتصادی می‌توان به تحریم‌های مختلف مالی، بیمه‌ای و بانکی و همچنین جنگ گسترده ارزی علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. «هیلاری کلinton که وزیر خارجه دور اول ریاست جمهوری اوباما بود، با افتخار اعلام کرد که معمار بدترین تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه علیه ایران بود» (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۵۶). راس^۱ می‌گوید: شواهد تاریخی نیز گواه بر آن است که نیروی اجبارآمیز و قهری به‌خصوص قدرت نظامی دارای روابط معنی‌دار و زیادی با مذاکره و ابزارهای دیپلماتیک و همچنین با موضوع اقتصاد است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

طراحی و اجرای تحریم‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ از سوی امریکا موجب بروز مشکلاتی برای فروش نفت ایران و مسائل مالی مربوط به آن شد. بعد از خروج ترامپ از برج‌ام، کنگره امریکا جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را شدت بخشید و اموال ایران در امریکا را مصادره کرد. تحریم‌های اقتصادی نوین به‌مثابه بخشی از پیچیده‌ترین جنگی که امریکایی‌ها علیه ایران به‌کار گرفته‌اند، درزمره جنگ‌های مدرن قرار می‌گیرد. امریکا به این نتیجه رسیده است که یکی از مهم‌ترین راهکارها برای برخورد با کشورها استفاده از ابزارهای اقتصادی است و در این راستا وزارت خارجه و خزانه‌داری امریکا به‌شدت بر نظام بانکی کشورها نظارت دارند و به‌طور رسمی اعلام کرده‌اند که دلار را به سلاحی اقتصادی برای تحمیل اراده خود تبدیل کرده‌اند. ترامپ از همان ابتدای به‌قدرت‌رسیدن نشان داد که قصد دارد جنگ اقتصادی را

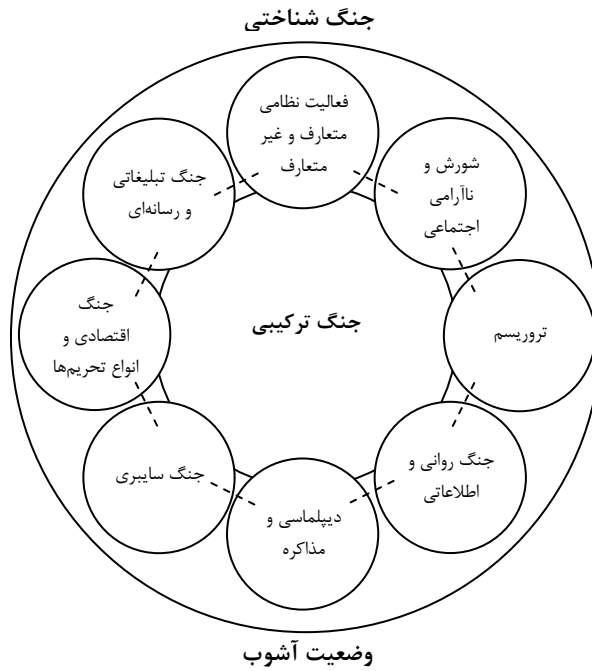
1. Ross

به صورت واضح تری اعمال کند و انتشار سند راهبرد امنیت ملی وی نیز به نحوی مؤید این موضوع بود. تصویب قانون «کاتسا» از سوی کنگره و سنای امریکا نشان داد که جنگ اقتصادی علیه ایران یک واقعیت قطعی است (صابر، ۱۳۹۷).

جنگ رسانه‌ای

در موضوع جنگ رسانه‌ای، صدها سایت، شبکه اجتماعی، شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی قابل بررسی هستند. راه‌اندازی شبکه‌های مختلف ضدانقلاب در شبکه‌های اجتماعی از جمله در تلگرام و انتشار انواع اخبار دروغ و تحریک‌آمیز و دعوت به تجمعات مختلف و طراحی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی و همچنین تصویرسازی از این موارد و ورود به حوزه آموزش‌های شورش به جامعه مدنی نیز در این راستا قابل تبیین است. رسانه‌های مدرن با مزیت ارتباطات تعاملی امکان آن را دارند تا مخاطب را وارد یک مدار محرک - پاسخ کنند و وظیفه مهمی در ایجاد محیط شناختی کاربست جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا ایفا می‌کنند.

کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین و مؤثرترین راه رسیدن به پیروزی نفوذ در حوزه شناختی بازیگران گوناگون صحنه جنگ (دوست، دشمن و بی‌طرف) است. در این نوع عملیات، با ایجاد یک چرخه محرک - پاسخ تلاش می‌شود تا فرایند تصمیم‌سازی و نهایتاً رفتار طرف مقابل تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر یابد» (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۱۲۴).



شکل ۴. شبکه تحلیل جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا

روش جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا

جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، ازسویی تابع ویژگی‌های جنگ ترکیبی است و ازسوی دیگر، با زمینه و اهداف شناختی درپی تأثیرات عمیق ذهنی بر جامعه ایران است. ازاین‌رو یکی از مهم‌ترین اهداف اعمال فشار ترکیبی بر جمهوری اسلامی ایران رسیدن به تأثیرات شناختی است. در این مدل، جنگ ترکیبی می‌تواند مبتنی بر یک مفهوم ذهنی شکل بگیرد، اما تأثیرات و اهداف عینی را برای خود در نظر داشته باشد و یا اینکه مبتنی بر یک رویداد بیرونی و عینی شروع شود و درپی تأثیرات ذهنی بر جامعه هدف باشد. دیالکتیک بین عین و ذهن در جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا از اهمیت خاصی برخوردار است. در این رابطه، دو سطح عینی و ذهنی جامعه ایرانی که متشکل از مردم و مسئولان است، تحت هجوم دشمن قرار دارد. غرب در این مدل درپی آن است تا با کاربست مدل توضیح داده‌شده به ایجاد جنگ

ترکیبی شناخت‌مبنا علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کند و مواردی از جمله شناسایی نقاط آسیب‌پذیر، تغییر روایت در رابطه با نقاط قوت، کاهش کارآمدی و مشروعیت داخلی و بین‌المللی، کاهش موفقیت جمهوری اسلامی در سطوح مختلف داخلی و خارجی را شامل می‌شود. این فشارها با در کنار هم قرارگرفتن و تولید نیروی تهاجمی سینرژیک و اعمال تدریجی و طولانی‌مدت در پی آن هستند که با افزایش حس ناکامی اجتماعی و کاهش اعتماد سیاسی بین مردم به کاهش سرمایه اجتماعی حاکمیت مبادرت کنند و با اعمال شوک‌های متوالی به تغییر در بافتارهای شناختی این جامعه و درنهایت کنش‌های آن پردازند. خروجی این فرایند در پدیده‌هایی همچون انقلاب‌های رنگی و روش «سوارمینگ»^۱ نیز قابل تحلیل است. یادآور می‌شود، سوارمینگ نظامی، ترفندی (تاکتیکی) در میدان نبرد است که برای به‌حداکثر رساندن تراکم حمله علیه هدف طراحی شده است.

تحریم و فشار به‌مثابه اهرم تسری

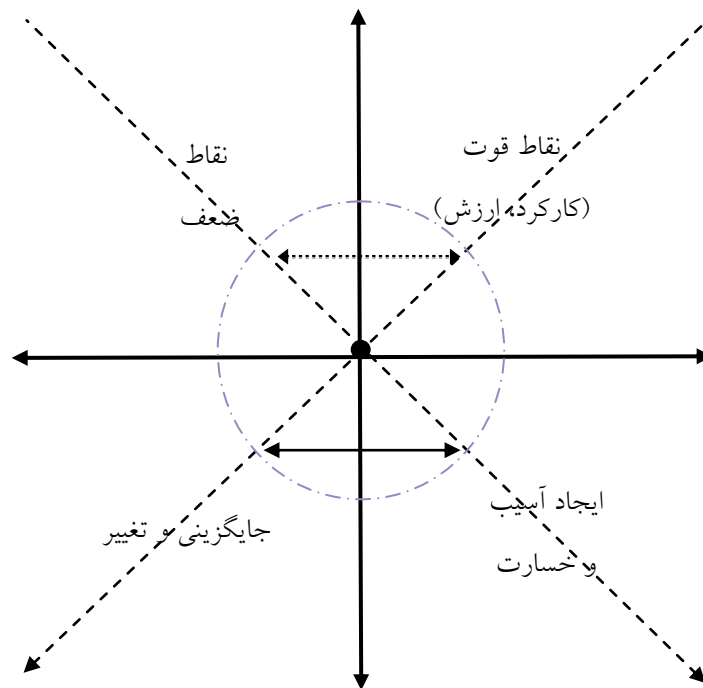
«نفیو» به‌عنوان یکی از مسئولان تیم طراحی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم باراک‌اوباما و یکی از چهره‌های برجسته تیم پشتیبان هیئت مذاکره‌کنندگان توافق وین که چند سال نیز مسئول امور ایران در شورای امنیت ملی در کاخ سفید بوده است (نفیو، ۱۳۹۷: ۱) در کتاب «هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان» بیان می‌دارد «هدف از اعمال تحریم‌ها ایجاد سختی است یا به‌عبارت‌بهرتر، ایجاد درد و ناکامی، به نوعی که کشور هدف تحریم‌ها رفتار خود را تغییر دهد» (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱).

«تد رابرت گر» در اثر خود با نام چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ به موضوع ناکامی اشاره کرده است، وی معتقد است محرومیت نسبی نقش مهمی در این زمینه دارد و منظور از محرومیت نسبی نیز برداشت و تصویر کنش‌گران از وجود فاصله میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنهاست (گر به‌نقل از بیژنی، ۱۳۹۵: ۱۳).

موضوعی که غربی‌ها با الهام از آن ضمن جنگ ترکیبی در پی مدیریت تصویر مخاطب بین وضع موجود و وضع مطلوب ممکن برای جامعه ایرانی هستند افزایش ناکامی‌های ایران و معرفی آن به‌عنوان معلول پیگیری آرمان‌ها این هدف را پی‌گیری می‌کند که جامعه ایرانی

1. Swarming

ناکامی و ناکارآمدی‌های خود را در آرمان‌ها و ارزش‌های خود بپندارد و این یکی از اهداف جنگ ترکیبی شناخت‌مبناست که به مشروعیت‌زدایی آرمان‌ها و ارزش‌ها نیل پیدا می‌کند. برای این کار، مدیریت ادراک جامعه ایرانی و نشان‌دادن نقاط جایگزین از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به‌نحوی که بازیگر غربی دائماً در پی آن است که مسیر جایگزین برای جامعه ایرانی را مسیر بسیار مناسبی معرفی کند و این ارائه توانایی مقایسه یکی از ارکان مدیریت ادراک خواهد بود؛ به‌نحوی که با تصویرسازی ناکامی نسبی با استفاده از ابزار شبکه‌های اجتماعی و غیره، ادراک ناکامی را در مخاطب تثبیت کند. گرچه در بررسی هدف غرب و به‌طور ویژه امریکا از اجرای تحریم‌های متفاوت ضد ایران با گزینه‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم، اما به‌طور کلی این پاسخ‌ها در دو محور قابل طرح است. یکی هدفی که خود امریکا آن را اعلام کرده است و عبارت است از تغییر محاسبات ایران و درسوی دیگر طیف افرادی قرار دارند که معتقدند هدف حقیقی امریکا در واقع تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).



شکل ۵. تأثیر موردانتظار دشمن از جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا (نگارنده)

در این راستا غرب به خصوص امریکایی‌ها برای افزایش تأثیر دیپلماسی اجبارآمیز خود از دو ابزار «دیپلماسی عمومی» و بازی با تحریم‌ها استفاده می‌کند. برای مثال، رفع برخی از تحریم‌ها از جمله فناوری‌های ارتباط جمعی، جهت مدیریت ادراک جامعه ایرانی در این حیطه قابل شناسایی است. غرب با این کار از یک طرف می‌تواند مسئول مشکلات کشور و ناکامی‌های اجتماعی را حاکمیت جمهوری اسلامی ایران معرفی کند و از طرف دیگر، علاوه بر استفاده از داده‌های کلان اطلاعات اجتماعی مردم می‌تواند به شناخت منطق رفتار مردم و همچنین بسیج اجتماعی مردم علیه حاکمیت مبادرت کند (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جمهوری اسلامی ایران هدف شبکه هوشمندی از جنگ ترکیبی قرار دارد. این جنگ علاوه بر آنکه تک‌تک مؤلفه‌های آن به صورت مستقل بخشی از توانایی کشور و انقلاب را مورد هدف گرفته در پی آن بوده است تا با اشاعه وضعیت فشار هم‌افزا و آشوب و استفاده روشمند از شبکه‌های اجتماعی بتواند به تأثیرات شناختی منجر شود.

«نفیو» در کتاب «هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان» ضمن تشریح روند انعقاد برجام، اشاراتی به جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کند. «تحریم‌ها وقتی مؤثر واقع شدند که مجموعه‌ای از عوامل مختلف در هماهنگی با همدیگر به صورت مناسب کار می‌کردند» (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱). «این نه به من و یا حتی افرادی که در ژنو جمع شده بودند تعلق دارد، بلکه این یک برد تیمی و ناشی از همکاری میان افسران اطلاعاتی، نظامیان، کارشناسان غیرنظامی، تحریم‌گذاران، کارکنان کنگره و دیپلمات‌ها بود که در راستای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش کرده بودند» (نفیو، ۱۳۹۷: ۸). نفیو در این اثر تأکید زیادی بر مفاهیم روان‌شناختی جامعه هدف برای اثربخشی تحریم‌ها به عنوان یک ابزار کنترل و تغییر رفتار دارد. «یکی از عوامل کلیدی در موفقیت تحریم‌ها و اعمال آنها، داشتن درک درست از سطوح مرتبط با استقامت ملی در طرف مقابل است و اینکه کشور تحریم‌کننده چه اقداماتی باید انجام دهد تا این اراده کاهش پیدا کند» (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۹). شبکه‌های اجتماعی، مدیریت تصویر و کنترل اذهان، نقش مهمی در مؤثرسازی جنگ ترکیبی شناخت‌منا بازی می‌کنند. در همین رابطه پیش از روی کار آمدن دولت اول آقای روحانی و هم‌زمان با تحریم‌های سخت‌گیرانه‌ای که امریکا علیه

جمهوری اسلامی ایران اتخاذ می‌کند، صدور نوع خاصی از وسایل مخابراتی به ایران افزایش پیدا می‌کند. «درست هم‌زمان با اعمال همین تحریم‌ها، امریکا توانایی شرکت‌ها و دولت این کشور برای فروش فناوری‌های مخابراتی به ایران را افزایش داد» (نفیو، ۱۳۹۷: ۹۱).

«نظام جمهوری اسلامی ایران معتقد است امریکا به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی، تقریباً از همه ابزارهای ممکن حتی تهاجم نظامی محدود ولی آشکار برای دستیابی به هدف خود، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی استفاده کرده است. دولت اسلامی معتقد است که از زمان انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ این ابزارها ترکیبی از سیاست‌های براندازی، تحریم، عملیات پنهان، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی، اقدام نظامی، حمایت از تجاوزات منطقه‌ای به ایران، جنگ سایبری، متهم کردن ایران به تروریسم، نقض حقوق بشر و جستجو برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و آخرین آن تهاجم فرهنگی بوده است» (موسویان، ۱۳۹۴: ۷۷).

مبتنی بر الگوی جنگ ترکیبی برای مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن، متنوع‌سازی ظرفیت‌های داخلی و خارجی باعث کاهش کارایی هجوم ترکیبی دشمن خواهد بود. ایجاد مؤلفه‌های قدرت داخلی و صیانت از آنها و پاسخ‌های سریع و هوشمندانه به فشارهای وی نیز راه را بر تهدیدات آتی دشمن تنگ خواهد کرد و مانع تحقق شرطی‌سازی جامعه خواهد بود. در ساحت جنگ شناختی، آگاهی‌بخشی به مخاطبین، افزایش اعتماد و انسجام اجتماعی و سواد رسانه، مدیریت هوشمند منابع و بسترهای اطلاعاتی به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی خارجی و تقویت و استفاده از شبکه‌های بومی مهم به‌نظر می‌رسد. در این راستا، صیانت اطلاعاتی از کلان‌داده‌های ارتباطی مردم و مراکز تصمیم‌گیری نظام از اهمیت معتنا بهی برخوردار است. یکی از ویژگی‌های مهم تهدیدات ترکیبی، تنوع بالاست؛ لذا بازیگری می‌تواند دائماً به مقابله با این تهدیدات پردازد که از توانایی یادگیری بالایی برخوردار باشد و توانایی پاسخ‌های سریع، متنوع و هوشمند را داشته باشد. با فهم مدل ارائه‌شده در این تحقیق که مبتنی بر مدل جنگ ترکیبی شناخت‌مبنا ارائه شده است.

در تحقیقات بعدی می‌توان به موضوعات مهم زیر پرداخت:

الف. روش‌شناسی ترکیب مؤلفه‌ها در جنگ‌های ترکیبی جهت ایجاد فشار هم‌افزا؛

ب. شناخت دقیق جایگاه جنگ شناختی در جنگ ترکیبی؛

ج. شناخت جایگاه شوک در تغییرات اجتماعی و جنگ ترکیبی.

منابع

فارسی

۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587>
۲. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶/۱۰/۲۶)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین
 المجالس سازمان همکاری اسلامی
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38725>
۳. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۲/۱۰)، بیانات در دیدار با کارگران
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39480>
۴. ارتباطات راهبردی ناتو: مرکز تعالی (۱۳۹۵)، رسانه‌های اجتماعی: ابزار جنگ‌های ترکیبی، ترجمه دکتر
 محمدرضا آهنی، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۴۵: ۱۴۹ - ۱۸۶.
۵. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶:
 ۲۲۳ - ۲۵۲.
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران - رویکردی فرهنگی،
 تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۷. افتخاری، اصغر و راجی، محمدهادی (۱۳۹۶)، عرصه تعاملی مؤلفه‌های سخت و نرم امنیت مبتنی بر قرآن
 کریم، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ش ۲۹: ۲۴۹ - ۲۸۸.
۸. باقری کبورق، علی (۱۳۷۰)، کلیات و مبانی جنگ و استراتژی، تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
۹. بقایی، کوروش؛ رجب‌پور، مجید و پرواس، سیدرضا (۱۳۹۵)، چیستی جنگ ترکیبی، اشتباهی تکراری در
 مباحث نظامی، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ش ۳۷: ۹۱ - ۱۱۰.
۱۰. بیژنی، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی علل بروز تروریسم در جغرافیای اسلام، مطالعات راهبردی جهان اسلام،
 شماره ۶۶: ۵ - ۴۶.
۱۱. پژوهشکده علوم شناختی (بی‌تا)، معرفی علوم شناختی، تاریخ بازدید ۹۷/۶/۱۰:
<http://www.ircss.org/fa/Pages/CSDefinition.aspx#%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%D9%8A%20%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85%20%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%8A>
۱۲. پناهی، محمدحسین و گودرزی، آیت‌اله (۱۳۹۲)، ناآرامی‌های اجتماعی عوامل و فرایند آن، پژوهشنامه نظم
 و امنیت انتظامی، ش ۲۳: ۱ - ۳۰.
۱۳. تافلر، الوین و هیدی (۱۳۷۴)، جنگ و پادجنگ - زنده ماندن در سپیده‌دم سده بیست‌ویکم، ترجمه مهدی
 بشارت، تهران: اطلاعات.

۱۴. تیموتی جی و علمایی (۱۳۸۸)، تاریخ نظامی و جنگ نسل چهارم، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۴: ۲۹ - ۱.
۱۵. حسنیو، خسرو (۱۳۸۸)، مروری بر مفاهیم جنگ و بررسی تأثیر ویژگی جنگ‌های آینده بر سیاست دفاعی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۶. جمشیدی، محمد (۱۳۹۲)، تحریم؛ ابزار امریکا برای تغییر محاسبه هسته‌ای ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴: ۱۵۶ - ۱۱۹.
۱۷. جولانی، محمد و فولادی، قاسم (۱۳۹۶)، جنگ‌های ترکیبی؛ مروری بر ادبیات، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۸. ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۲)، عملیات روانی؛ جنگ اطلاعاتی و فریب استراتژیک، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۹. رستمی، قاسم (۱۳۹۵)، تحول در ماهیت جنگ‌های آینده؛ جمهوری اسلامی ایران؛ سناریوها، فرصت‌ها و چالش‌ها، سیاست دفاعی، ش ۹۷: ۱۴۵ - ۱۹۰.
۲۰. رشیدزاده، فتح‌الله (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات و جنگ اطلاعاتی، فصلنامه مدیریت نظامی، ش ۲۱: ۴۱ تا ۷۰.
۲۱. شریفی، رضا (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد روان‌شناختی خشونت‌گرایی جمعیت اغتشاش‌گر و روش‌های تأثیرگذاری بر آن، فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۴۵.
۲۲. شفیع، نوذر و رضایی، فاطمه (۱۳۹۱)، نقد و ارزیابی نظریه سازه‌انگاری، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، ش ۴: ۶۳ - ۸۵.
۲۳. صابر، محسن (۱۳۹۷)، استراتژی «مرد دیوانه»؛ بررسی ابعاد جنگ تمام‌عیار اقتصادی امریکا علیه جمهوری اسلامی، فارس‌نیوز.
- <https://www.farsnews.com/news/13970606001271>
۲۴. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۵. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، فهم تروریسم، فصلنامه امنیت، ش ۳: ۷ - ۳۶.
۲۶. غریبی، محسن (۱۳۹۶)، رئالیسم تهاجمی ترامپ و مسیر هم‌اوردی ایران، فارس‌نیوز.
- <https://www.farsnews.com/news/13960722002083>
۲۷. فرهادی، عرفان (۱۳۸۸)، تروریسم چیست؟، ماهنامه چیستا، ش ۲۶۳: ۷۶ - ۷۸.
۲۸. قاسمی، فرهاد و اسماعیلی فرزین، ایرج (۱۳۹۶)، جنگ هیبرید در سیستم بین‌المللی پیچیده - آشوبی، فصلنامه مدیریت نظامی، ش ۲: ۵۲ - ۹۲.

۲۹. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴)، از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۷: ۷-۱۸.
۳۰. کریمی، یوسف (۱۳۷۲)، جنگ روانی غرب علیه ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۷۲: ۸۱-۸۷.
۳۱. کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۶)، تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، ش ۲: ۱۴۳-۱۶۲.
۳۲. ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، فضای سایبر و شویه‌های نوین درگیری ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، ش ۴۵: ۹۵-۱۲۲.
۳۳. محمدی، یدالله (۱۳۷۹)، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی: تقابل و رویارویی دو چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری قدرت، فصلنامه مصباح، ش ۳۶: ۹۵-۱۰۶.
۳۴. محمدی‌نجم، سیدحسین (۱۳۸۷)، جنگ شناختی بُعد پنجم جنگ، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳۵. مرادی، حجت‌اله (۱۳۹۱)، سخن سردبیر: جنگ رسانه‌ای و کنترل افکار عمومی، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، ش ۳۲: ۱-۴.
۳۶. مشرق‌نیوز (۱۳۹۲)، گزارش ویژه با عنوان امریکا چگونه در برابر ایران منفعل شد؟ پرونده‌ای برای ۳۵ سال دشمنی امریکا با انقلاب اسلامی. قابل بازیابی در:
www.mashregnews.ir/news/212014
۳۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، سنت واقع‌گرایی در ایران، فصلنامه سیاست، دوره چهل‌وهفتم، ش ۱: ۲۰۱-۲۲۰.
۳۸. مک‌کالو، تیموتی و جانسون، ریچارد (۱۳۹۵)، جنگ ترکیبی، ترجمه احمد الهیاری و گروه مترجمین سازمان جهاد خودکفایی نزاجا تحت نظارت سیدمسعودرضا زواره‌ای، تهران: انتشارات دافوس آجا.
۳۹. ملکوتی‌نیا، علی (۱۳۹۴)، مصرف کالای ایرانی؛ راهکار مبارزه در جنگ اقتصادی، ماهنامه مبلغان، ش ۱۹۲: ۶۵-۷۴.
۴۰. موسویان، سیدحسین (۱۳۹۴)، ایران و امریکا، گذشته شکست‌خورده و مسیر آشتی، تهران: تیسرا.
۴۱. میلادی، حسین (۱۳۹۶)، انتخابات؛ جنگ روانی و جنگ شناختی، سایبربان
<https://www.cyberbannews.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DB%8C-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA>
۴۲. نفیو، ریچارد (۱۳۹۷)، هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

1. Cullen, P.J & Reichborn-Kjennerud, E (2017). Understanding Hybrid Warfare. A Multinational Capability Development Campaign project
2. Gardner, Hall. (2015) Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of “Little Green Men” and Contemporary Conflict. NATO Defense College, Rome.
3. Gazette, M. C. (1989). The Changing Face of War: Into the Fourth Generation. William S. Lind, Colonel Keith Nightengale (USA), Captain John F. Schmitt (USMC), Colonel Joseph W. Sutton (USA), and Lieutenant Colonel Gary I. Wilson (USMCR). Marine Corps Gazette, 22-26
4. Hoffman, F. G. (2009). Hybrid warfare and challenges. NATIONAL DEFENSE UNIV WASHINGTON DC INST FOR NATIONAL STRATEGIC STUDIES
5. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/war>
6. Huovinen, P. (2011). Hybrid warfare-Just a twist of compound warfare. Views on warfare from the United States Armed Forces perspective. Helsinki: National Defense University
7. Lord, K. M., & Sharp, T. (Eds.). (2011). America's Cyber Future: Security and Prosperity in the Information Age (Vol. I I). Washington, DC: Center for a New American Security.
8. Pop, Ş. (2017, June). Diplomacy and Security. In International conference KNOWLEDGE-BASED ORGANIZATION (Vol. 23, No. 1, pp. 251-255). De Gruyter Open